

هفده مجلس شبیه خوانی

بخشی از متون تعزیه نیز و رابُر

(تعزیه کرمان)

گردآوری، مقدمه و تصحیح

مرید قنبری نیز

با گفتاری از

دکتر علی بلوکباشی



انتشارات اطلاعات

تهران - ۱۳۹۴

سرشناسه: عنوان و نام پدیدآور:
 قنبری نئیز، مرید، ۱۳۱۴-
 هفده مجلس شبیه خوانی: بخشی از متون تعزیه نئیز و رائر (تعزیه کرمان)/
 گردآوری، مقدمه و تصحیح مرید قنبری نئیز؛ با گفتاری از علی بلوکیاشی
 مشخصات نشر: تهران: اطلاعات ۱۳۹۴
 مشخصات ظاهری: ۶۸۰ ص. مصور
 شابک: 978-964-423-982-3

وضعیت فهرست نویسی: فیا
 موضوع: تعزیه
 موضوع: تعزیه - تاریخ
 موضوع: تعزیه - ایران - تاریخ
 موضوع: تعزیه - ایران - کرمان (استان)
 شناسه افزوده: بلوکیاشی، علی، ۱۳۱۴-، مقدمه نویسنده
 شناسه افزوده: مؤسسه اطلاعات
 رده بندی کنگره: ۱۳۹۴ ۹۵۷ ق/ PIR۲۸۳۲
 رده بندی دیویی: ۸۵۲/۰۵۱۲
 شماره کتابشناسی ملی: ۳۹۴۱۳۴۵



انتشارات اطلاعات

تهران: خیابان میرداماد، خیابان نفت جنوبی، روزنامه اطلاعات، شماره پستی ۱۵۲۹۹۵۳۱۱۱
 تلفن: ۲۹۹۹۳۴۵۵-۶
 تلفن دفتر توزیع و فروش: ۲۹۹۹۳۲۴۲
 فروشگاه مرکزی: بزرگراه حقانی، رویروی ایستگاه مترو، ساختمان روزنامه اطلاعات، تلفن ۲۹۹۹۳۲۸۶
 فروشگاه شماره (۱): خیابان انقلاب اسلامی، رویروی دانشگاه تهران، تلفن: ۶۶۴۶۰۷۳۴

هفده مجلس شبیه خوانی

به کوشش مرید قنبری نئیز

صفحه آرا: رحیم رفیعی

طراح جلد: رضا گنجی

حروف نگاری، چاپ و صحافی: مؤسسه اطلاعات

شمارگان: ۱۰۵۰ نسخه

چاپ اول: ۱۳۹۴

قیمت: ۳۸۰۰۰ تومان

ISBN: 978-964-423-982-3

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۲۳-۹۸۲-۳

Printed in Iran

همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است.

فهرست

۹	پیشگفتار
۱۱	مقدمه استاد بلوکباشی
۱۱	پیدایی و چگونگی شکل گیری تاریخی تعزیه خوانی
۲۲	مردم و تعزیه
۲۴	درباره این مجموعه
۲۵	منابع مورد استفاده در مقدمه
۲۷	مقدمه مؤلف
۲۸	تعزیه خوانی در رآئر و نئیز
۳۰	تعزیه خوانان حسینیه قلعه رآئر از قدیم تا امروز
۳۷	وقف نامه ها
۳۷	کاتبان نسخه ها
۳۹	زمان اجرای تعزیه ها
۴۰	لباس تعزیه خوان ها
۴۱	جوش نئیزی

۴۲	عَلَم گردانی
۴۳	سخنی کوتاه در مورد این مجموعه
۴۷	تعزیه مرد تعزیه دار (پس فروش)
۸۱	تعزیه حضرت مسلم
۱۰۹	تعزیه طفلان مسلم
۱۳۹	تعزیه حجةالوداع
۱۶۹	تعزیه خُر
۲۲۳	تعزیه وهب نصرانی
۲۶۳	تعزیه حضرت علی اکبر(ع)
۲۹۷	تعزیه حضرت قاسم(ع)
۳۲۹	تعزیه حضرت عباس(ع)
۳۸۷	تعزیه عاشورا
۴۳۵	غارت خیام
۴۵۵	تعزیه حضرت رقیه(ع)
۴۹۱	تعزیه حضرت امام حسن(ع)
۵۲۵	تعزیه حضرت فاطمه صغری
۵۵۵	تعزیه حضرت زهرا(س)
۵۸۱	تعزیه حضرت امام رضا(ع)
۶۱۹	قیام مختار بن ابوعبیده ثقفی
۶۶۳	تصاویر

پیشگفتار

نیز در دوره قاجار یا شاید کمی قبل از آن دارای ۷۰ خانوار سکنه بوده است، این در حالی است که رابر - که امروز شهرستان است و بالغ بر بیست هزار نفر جمعیت دارد - دارای ۱۴۰ خانوار بوده است.^۱ این مقایسه خود شاهی برای رونق گذشته نیز نسبت به امروز است. پیدا شدن سکه‌ای از دوران ساسانی، کشف زغال سوخته‌هایی از دورانهای گذشته، وجود حمام قدیمی و سنگ نبشته‌ای در آن که تاریخ ۱۳۹ هـ. ق را دارد (که احتمالاً ۱۱۳۹ هـ. ق بوده است) و وجود سنگ قبرهای کهن، نشانه‌های دیگری است مبنی بر پیشینه نسبتاً کهن نیز.

در این میان اسناد دیگر نیز وجود دارد که از پیشینه فرهنگی نیز در روزگاران گذشته سخن می‌گوید، یکی از این اسناد وقف‌نامه‌هایی است که در نیز موجود است، اگرچه این وقف‌نامه‌ها چندان قدیمی نیستند اما

۱. رساله ضمیمه جغرافیای کرمان، احمدعلی خان وزیری، تصحیح و تحشیه باستانی پاریزی،

بدون شک شکل‌گیری انگیزه وقف برای واقفان آنها مستلزم زمینه‌ای کهن از تاریخ مکتوب این وقف‌نامه‌ها می‌باشد، که این از سیاق عبارات این وقف‌نامه‌ها و تأکیدی که بر صرف عایدات وقف در «محل نیز» دارند نیز استنباط می‌شود. وقف‌نامه میربهرام نیز به تاریخ ۱۲۷۹ ه. ق و وقف‌نامه ملاغلامحسین نیز به تاریخ ۱۲۹۹ ه. ق از نمونه‌های آن می‌باشد. در وقف‌نامه میربهرام به صراحت تأکید شده است که عواید وقف «خرج و صرف تعزیه‌داران جناب سیدالشهدا در محل نیز» گردد. عبارات این وقف‌نامه را هرگونه که تفسیر کنیم باز شبیه‌خوانی و تعزیه‌داری حضرت سیدالشهدا را شامل می‌شود، اما به احتمال زیاد منظور از «تعزیه‌داران» اختصاصاً شبیه‌خوانان باشد، چرا که مرحوم میربهرام در چند سطر قبل از این وقف‌نامه همه گونه‌های عزاداران نظیر «تعزیه‌داران و ذاکرین و مصیبت‌داران و گریه‌کنندگان و نوحه‌خوانان و زواران خامس آل‌عبا» را برشمرده است و سپس خرج عواید را در «تعزیه‌داران» محصور کرده است. به هر حال وجود این وقف‌نامه‌ها تأییدی بر رونق هنر تعزیه‌خوانی در نیز از روزگاران گذشته است، موضوعی که به صورت مبسوط در مقدمه به آن پرداخته‌ام.

لازم است از استاد دکتر علی بلوکباشی که این مجموعه را با دقت مطالعه کردند و نکات ارزشمندی را یادآور شدند و بر آن مقدمه نوشتند صمیمانه سپاسگزاری کنم.

از یاری دوست و همراه دیرین جناب شیخ نصرالله حسین‌خانی سپاسگزارم و از زحمات یارالله قنبری و حمید قنبری تشکر می‌کنم. امیدوارم که حضرت اباعبدالله حسین(ع) این مختصر را از ما پذیرا باشد. و الحمدلله أولاً و آخراً.

مرید قنبری نیز

کرمان - اسفندماه ۱۳۸۹

مقدمه استاد بلو کباشی

پیدایی و چگونگی شکل گیری تاریخی تعزیه خوانی

تعزیه خوانی نتیجه و شکل تجسم یافته و صورت نمایشی اعتقادات مذهبی مردم شیعه ایران بوده است. مسلمانان شیعه به واقعه کربلا و چگونگی مهاجرت امام حسین (ع) و همراهانش از مدینه به کربلا و روبرو شدن آنان با لشکریان عبید بن زیاد و جنگ میان آن دو سپاه و کشته شدن امام حسین (ع) و هفتاد و دو تن یاران باوفایش آگاهی دارند. وقایع پس از عاشورا و چگونگی به اسارت بردن اهل بیت مطهر امام حسین (ع) به شام و ماجرای دربار یزید در شام و خطبه حضرت زینب (س) در برابر یزید را هم خوب می دانند. همه این واقعه ها در ذهنیتشان نقش بسته و زنده و پایاست. از این رو نمایش مصائب امام و نشان دادن واقعه کربلا و رویدادهای پس از آن جلوه و نمودی است عینی و شکلی بیرون از دانسته ها و باورهای ذهنی و احساسات مذهبی مردم درباره خاندان پیامبر. به همین سبب نیز ماهیت و شکل این نمایش آئینی - مذهبی کاملاً از تیاتر

و نمایش‌های تیاتری متفاوت است.

آنچه در پیشینه تاریخی تعزیه‌خوانی برای ما تاریک می‌نماید خاستگاه و تاریخ تکوین و شکل‌گیری آن به صورت یک پدیده نمایشی است. در این که تعزیه‌خوانی تا اواخر دوره ناصری یک روند تحول و تکامل و از آن پس سیر انحطاط و فروپاشی را پیموده تا به شکل امروزی درآمده است، ابهام و تردیدی نیست. بنجامین، نخستین سفیر آمریکا در دوره ناصری، که از ۱۸۸۲-۱۸۸۵ / ۱۲۹۹-۱۳۰۲ ق در ایران به سر می‌برده است به نقل از یکی از دانشمندان و مطلعان ایرانی می‌نویسد: «تعزیه کنونی که در ایران خوانده می‌شود، نتیجه سالها تحول و تکامل است و چیزی نبوده که یک مرتبه به خاطر کسی رسیده و اجرا شده باشد» (بنجامین، ۱۳۶۳: ۲۸۲). اما این مهم که نخستین شکل نمایشی از واقعه کربلا یا تعزیه‌خوانی به تحقیق در چه زمانی پدید آمده که در دوره ناصرالدین شاه به شکوفایی خود رسیده، برای ما دقیقاً روشن نیست.

بنجامین فکر به نمایش در آوردن واقعه کربلا و حواشی آن را به صورت تراژدی تأثیرانگیز تعزیه پس از دوره صفوی می‌داند و می‌نویسد این کار به تدریج صورت عملی به خود گرفت (همانجا). همو و نیز نصرالله فلسفی (۱۳۶۹: ۸۵۷/۳) هر دو رسم تعزیه‌خوانی در زمان شاه عباس و جانشینان او را دور از واقعیت می‌دانند و دلیلی که بر این ادعا می‌آورند، نبود اشاره‌ای به موضوع تعزیه‌خوانی در کتب تواریخ و سفرنامه‌های آن زمان است.

محبوب (۱۳۸۲: ۱۲۶۶/۲-۱۲۶۸) با قاطعیت اظهار می‌دارد که پس از سالها جستجو و کنکاش در متون ادبی و دیوان‌ها «کوچک‌ترین اثری از تعزیه و تعزیه‌نامه» در عصر صفوی و «دیوان شاعران» آن زمان نیافته است. همچنین مدعی است که حتی روایتی از «روایت‌های عوامانه و سینه به سینه از آن روزگار» درباره تعزیه‌خوانی نشنیده است. می‌نویسد:

شاردن، سیاح فرانسوی هم که هیچ چیز از رفتار و آثار ایرانیان در برابر دیدگان او پوشیده نمانده است، وقتی در سفرنامه‌اش به عزاداری ایرانیان و دسته سینه‌زنی سال ۱۶۹۷/۱۱۰۹ق در اصفهان اشاره می‌کند، نامی از تعزیه‌خوانی نمی‌برد.

فلسفی بر اساس خبری کوتاه در رساله‌ای خطی به نام تاریخ انقلاب الاسلام، تعزیه را بر ساخته در زمان پادشاهی کریم‌خان زند می‌داند و می‌نویسد: در زمان کریم‌خان سفیری از فرنگستان به ایران آمد و شرحی در تعریف تئاترهای حزن‌انگیز برای شاه بیان کرد. کریم‌خان پس از شنیدن آن دستور داد که صحنه‌هایی از وقایع کربلا و سرگذشت هفتاد و دو تن ساختند و نمایش‌های غم‌انگیز مذهبی ترتیب دادند که به تعزیه معروف شد (فلسفی، ۱۳۶۹: ۸۵۷/۳).

مؤلف آن محمد بن حاج محمد شریف، معروف به «اسپناچی پاشازاده» و عنوان درست و کامل این رساله انقلاب الاسلام بین الخاص و العام است. اولاً او همراه خبر هیچ سند معتبری، حتی نام سفیر را در اثبات ادعای خود نمی‌دهد، ثانیاً برخلاف نقل فلسفی نمی‌گوید «سفیری از فرنگستان به ایران آمد»، بلکه می‌گوید: «سفیری از ایران به فرنگستان رفت» (نک: شهیدی، ۱۳۸۰: ۶۶). کهن‌ترین سند معتبر که اجرای میدانی تعزیه‌خوانی در دوره زند را خبر می‌دهد، گزارش ویلیام فرانکلین^۱ از مشاهداتش درباره مجلس تعزیه عروسی حضرت قاسم در شهر شیراز در ۱۷۸۷م / ۱۲۰۱-۱۲۰۲ق است. (نک: فرانکلین، ۱۳۵۸: ۷۲-۷۳). تا پیش از این گزارش تاریخ دقیقی از برگزاری تعزیه‌خوانی در دست نبود. نخستین کسی هم که به این سند دست یافت ظاهراً الکساندر کریمسکی،

خاورشناس روسی بود که از رسم تعزیه خوانی به شکل نمایش خبر داد. از آن پس همه پژوهشگران تعزیه پژوه دوره زندیان را آغاز نمایش مذهبی تعزیه خوانی دانسته اند.

برای پرویز ممنون که با علاقه موضوع تعزیه و تاریخ پیدایی تعزیه خوانی در ایران را پی جویی کرده است، پذیرفتن دوره کوتاه سلطنت زندیان برای آغاز بروز تعزیه خوانی به صورت یک نمایش دشوار می نماید. استدلال او در رد این تاریخ برای تعزیه خوانی این است که اولاً دوره زند دوره کوتاهی در تاریخ ایران بوده است، و دوره پیش از آن، یعنی دوره افشار نیز زمانی بود که نادر هر گونه سوگواری در عاشورا را ممنوع کرده و فرمان داده بود که «هر یک از بندگان من و سربازان من که حرف از ماتم و عزاداری بزنند، زبان از حلقشان در می آورم!». افشاریان برخلاف صفویان که به عزاداری ها بسیار علاقه نشان می دادند و با برپایی عزاداری اختلافی میان شیعیان ایران و سنیان عثمانی برانگیخته بودند، برای فرونشاندن اختلافات شیعی و سنی جلوی همه تظاهرات مذهبی شیعیان را گرفته بودند.

ممنون می نویسد: وقتی کسانی می گویند که این نوع مراسم و نمایش های مذهبی در دوره پیش از زندیان رایج نبوده است، پس چگونه می تواند ناگهان تعزیه خوانی با این شکل نمایشی در این دوره پدید آید. از این رو نتیجه می گیرد که تعزیه خوانی باید ریشه در گذشته ای دورتر داشته باشد. همچنین استدلال می کند که تعزیه خوانی «عروسی حضرت قاسم» که با مکالمات و شعرخوانی بسیار ظریف همراه است و در میان مجالس تعزیه از مجالس فرعی و گوشه به شمار می آید، بنا بر شواهد و قرائن بایستی از مجموعه نمایش های اخیرتر از نمایش های اصلی، مانند تعزیه «شهادت حضرت امام حسین» ساخته شده باشد. از این رو، تعزیه خوانی

باید دورهٔ تکوین و تحولی را پیموده باشد تا در دورهٔ زندیان بتواند تعزیه «مجلس عروسی حضرت قاسم» را اجرا کند.

همو می‌نویسد: گرایش صفویان به تشیع و علاقه‌مندی آنان به ایجاد وحدت ملی در ایران، تظاهرات مذهبی در میان شیعیان را اعتبار بخشید و آن را به سراسر دو ماه محرم و صفر تعمیم داد. شاهان صفوی دسته‌گردانی‌های عزا را به شکل‌های مختلف و منظم ترتیب دادند و هر سال نیز به شکوه و رونق آن افزودند و رنگ نمایشی قوی‌تری به آنها دادند. از زمان شاه‌عباس بود که در دسته‌گردانی‌ها، شخصیت‌های داستان کربلا به صورت شبیه‌ظاهر می‌شوند، مانند شبیه‌های حضرت علی‌اکبر، حضرت عباس، حجله‌گاه حضرت قاسم و اسیران کربلا، زن‌پوشان و بچه‌گان و...

در این زمان، که ظاهر اواخر دورهٔ سلطنت شاه‌سلطان حسین صفوی یا کمی بعدتر باید باشد، دو سیاح هلندی به نام سالامون و ون گنج در سفرنامهٔ خود^۱ به نمایش‌های مذهبی مردم ایران اشاره می‌کنند. می‌نویسند: مردم به هنگام مراسم عزاداری صحنه‌هایی از جنگ‌ها و اعمال و حرکات امام حسین (ع) و افراد خانوادهٔ او را روی اراجه‌های بزرگ و کوچک در حال حرکت نشان می‌دهند. این نوع نمایش را ممنون یک سند تاریخی معتبر از شکل‌گیری اولیهٔ تعزیه‌خوانی در اواخر دورهٔ صفوی دانسته است (ممنون، ۱۳۸۰: ۱۱).

بکتاش با نقل روایتی از رسالهٔ مواکب حسینیّه، نوشته‌ای از ۱۳۷۵ق، که می‌گوید: «اول کسی که تأسیس اساس شبیه و تشبیه واقعهٔ کربلا را نمود، محمدباقر مجلسی، متوفی سنه ۱۱۱۱ قمری و در اواخر صفویه

1. Salamons and Van Goch, *Die Heutige Historie und Geographie, order der Gegenwärtige Staat van Koenigreich Persian, Flensburg, Altona, 1739.*

بود، با احتیاط و به طور ضمنی به تعزیه‌خوانی در دوره صفوی، حدود یک‌صد سال پیش از گزارش فرانکلین، اشاره می‌کند. لیکن نظر او مانند برخی پژوهشگران دیگر، این است که شکل دراماتیک تعزیه در حدود عهد زندیه از مراسم مذهبی جداگانه در یک خلاقیت ترکیبی و جمعی ظهور نموده و به طور کاملاً طبیعی هم پدید آمده است. او بعد از نقل روایت نصرالله فلسفی در کتاب انقلاب الاسلام می‌نویسد: «شکی نیست که نخستین پدیداری شکل تعزیه بر پایه شرایط قبلی در سنت سوگواری مذهبی و از روابط ترکیبی عوامل عزاداری، مانند نوحه‌خوانی، روضه‌خوانی، شبیه‌سازی فراهم آمده است و شبیه‌سازی پیش از آنکه در مرحله تمثیل قرار گیرد و تحرک نمایشی پیدا کند، فقط تمثال بوده است» (بکناش، ۱۳۵۰: ۷).

احمد امین وابسته نظامی و مباشر سفارت عثمانی در ۱۳۱۱ق در ایران، در گزارشی از اوضاع ایران اواخر دوره سلطنت ناصرالدین شاه به دولت متبوعش، به تعزیه‌خوانی اشاره می‌کند و می‌نویسد: «شبیه به تقلید از تئاتر وسیله یکی از مأمورین رسمی که به مأموریت خاصی به اروپا رفته بود احداث شد.» او نام این مأمور و زمان مأموریتش را نمی‌دهد و بعد به ده روز متوالی تعزیه‌خوانی و نمایش دادن واقعه کربلا در هر شهر و قصبه کوچک و بزرگ ایران اشاره می‌کند و سرانجام می‌نویسد: «در هر حال یک سلسله نمایشات مغایر شعائر اسلامی اجرا می‌شود» (امین، ۱۳۵۳: ۱۵).

محبوب با توجه به گزارش احمد امین معتقد است که پیش از اینکه دولت ایران مأمور رسمی به اروپا برای مطالعه در چگونگی شیوه نمایش تعزیه و کارگردانی و تهیه مقدمات آن بفرستد، مطمئناً «کسانی آزادانه و به صورتی ناقص‌تر تعزیه را به ایران وارد کرده، یعنی فکر نمایش دادن مصایب اهل بیت رسالت را از غرب گرفته و خود آن را در ایران با وقایع

کربلا و سپس مصایب سایر امامان و رسول اکرم (ص) تطبیق کردند.» (محبوب، ۱۳۸۲: ۱۲۸۱/۲). محجوب با باور به تقلیدی بودن این نمایش آئینی از نمایش غرب و وارداتی بودن فکر ساختن آن از فرهنگ غرب، پایه بنای تعزیه خوانی را بر نمایش مذهبی قرون وسطایی مغرب زمین استوار می‌داند. بنابر نظر او تعزیه «نوعی بازآفرینی است، مایه‌ها و عناصر و عوامل تعزیه از هزار سال پیش‌تر، یا حتی پیش از آن آماده شده بود».

محجوب در مورد تاریخ پیدایی و محل اولیه به نمایش درآوردن واقعه کربلا عقیده دارد که سنت صحنه‌آرایی و جان‌دار ساختن حوادث کربلا ظاهراً «در فاصله قرن هفدهم و هجدهم میلادی، در سالهای پیش از انقلاب کبیر فرانسه، به صورت فکری از غرب به ایران آمد». نخستین مردمی که «این صحنه‌ها را مجسم ساختند»، «ظاهراً مردم شمال ایران» بودند که «کمتر تعصب داشتند». با این بیان که سنت صحنه‌آرایی و جان‌دار ساختن حوادث کربلا در فاصله قرن ۱۷-۱۸، یعنی ۱۱-۱۲ق به ایران آمد. این عبارت نظر قبلی محجوب را که می‌گوید «کوچک‌ترین اثری از تعزیه و تعزیه‌نامه» در عصر صفوی نیافته است، نقض و رد می‌کند.

با اینکه فرخ غفاری به آمدن فکر به نمایش درآوردن واقعه‌های مذهبی از غرب به ایران باور ندارد، لیکن تأثیرگذاری نمایش‌های غربی را بر تعزیه خوانی از راه تعزیه گردانان رد نمی‌کند و در مقدمه بر کتاب *تأثیر ایرانی (بکناش، ۱۳۵۰: ۳)* می‌نویسد: «تعزیه گردانان بزرگ یک قرن پیش به توسط مردم فرنگ رفته آن زمان تحت تأثیر نمایش‌های غربی واقع شده بودند.» محجوب راه ورود شکل نمایشی تعزیه را هم به ایران نشان می‌دهد و احتمال می‌دهد که تعزیه خوانی نه از راه ترکیه عثمانی، که همواره عزاداری در آن سرزمین جنبه کفر و بدعت داشته است، بلکه از راه قفقاز، که مردمش مذهب شیعه داشتند، همراه افکار آزادی خواهانه به ایران آمده

است. او با استناد به نوشته مجید رضوانی، مؤلف کتاب نمایش و رقص در ایران می افزاید که تعزیه خوانی در سرزمین های آن سوی رود ارس، و حتی تاجیکستان و ازبکستان نیز رواج داشته است. آنگاه با تأکید بر ایرانی بودن فرهنگ این سرزمین ها می نویسد: «در روزگار طلوع تعزیه، این سرزمین ها نیز یا جزء خاک ایران بوده و یا تازه از ایران جدا شده بودند و هنوز همانندی سنت ها و آداب و رسوم از میان نرفته بود» (محجوب، ۱۳۸۲: ۱۲۷۲-۱۲۷۳).

آنچه که گذشت آرای گوناگون و متفاوت تنی چند از نویسندگان و صاحب نظران درباره تاریخ پیدایی و چگونگی شکل گیری و رواج نمایش مذهبی تعزیه خوانی در سرزمین ایران بود. خلاصه کلام اینکه برخی دوره صفوی و برخی دیگر دوره زندیان را زمان تجلی تعزیه خوانی، و گروهی هم شکل نمایشی تعزیه را برگرفته از نمایش های مذهبی غربی و گروهی دیگر نمایش های مذهبی غرب را تأثیر گذار بر شکل و اجرای تعزیه خوانی دانسته اند.

نقطه نظر ممنون و استدلال هایش را درباره شکل گیری نمایش آئینی - مذهبی تعزیه در دوره ای پیش از دوره زندیان، حال در اواخر یا اواسط دوره صفوی، می توان پذیرفت و برای تأیید و اثبات پیدایی و شکل گیری تعزیه خوانی در دوره صفوی به چند گزارش و تأثیر گذاری احتمالی مجالس تعزیه خوانی بر نقاشان و شمایل نگاران دوره صفوی و برانگیخته شدن آنان به پردازش دیوارنگاره هایی از مجالس تعزیه خوانی در اماکن مقدس می توان اشاره کرد. در این گفتار فقط به ذکر دو گزارش از سیاحتگران بسنده خواهد شد و برای آگاهی از بازتاب تعزیه خوانی بر دیوارنگاره های دوره صفوی به کتاب تعزیه خوانی: حدیث قدسی مصایب در نمایش آئینی ارجاع داده خواهد شد (بلوکباشی، ۱۳۸۳: ۳۰-۳۴).

چنانکه گفتیم تعزیه‌خوانی در دوره زندیان در برخی از نقاط ایران به صورت اجرای ثابت در میدان و تکیه معمول بوده است. به جز گزارش فرانکلین از تعزیه‌خوانی مفصل و مجلل ده روزه محرم سال ۱۷۸۷م/ ۱۲۰۱-۱۲۰۲ق به هنگام اقامت ۸ ماهه‌اش از ۱۷۸۶ تا ۱۷۸۷ در شیراز، چند تن از سیاحتگران پیش از او نیز از این نمایش مذهبی در جاهای دیگر ایران به صراحت خبر داده‌اند. کارستن نیبور،^۱ سیاحتگر آلمانی، مراسم تعزیه را در زمان کریم‌خان زند، در ۱۷۶۵-۱۷۶۶م/ ۱۱۷۸-۱۱۸۰ق در میدان بزرگ خارک در دهه اول محرم دیده است. او ظاهراً تعزیه‌های آن دهه، به ویژه مجلس تعزیه، روز عاشورا را به تمامی دیده که شرح آن را داده است (نیبور، ۱۳۵۴: ۱۸۹-۱۹۱).

سیاحتگر دیگر ساموئل هملین^۲ بود که در ۱۷۷۰-۱۷۷۲م/ ۱۱۸۴-۱۱۸۶ق در ایران به سر می‌برده است. هملین در کتابش به اجرای نوعی نمایش مذهبی و پرده‌های زنده از واقعه کربلا (یعنی تعزیه‌خوانی) در ایام عزاداری ماه محرم در تکیه رشت و تکیه‌های آبادی‌های دیگر اشاره می‌کند (چلکوسکی، ۱۹۷۹: ۲۵۸).

ساموئل پیترسون^۳ تاریخ شروع نمایش‌های تعزیه را سال ۱۷۷۰م/ ۱۱۸۴ق، تقریباً ۱۷ سال پیش از گزارش ویلیام فرانکلین از تعزیه‌خوانی در ۱۷۸۷م و مطابق با تاریخ گزارش ساموئل هملین، می‌داند و می‌افزاید که تعزیه‌خوانی تا ۱۸۰۸م/ ۱۲۲۳ق بخشی از سوگواری‌های دهه محرم و چنان همگانی و توفیق‌آمیز بود که تانکوانی^۴ از «نمایش ۵ مجلس آخر»

1. Carsten Nibuhr

2. Samuel Hmelin

3. Samuel Peterson

4. Tancoigne, J.M., *Lettres sur La Perse et la Turguie d'A 'sie*, Paris, 1819.

از واقعه کربلا بر صحنه تیاتری که در روبروی ایوان شاه (سالهای آغازین سلطنت فتحعلی‌شاه) در کاخ گلستان تهران برافراشته شده بود، سخن می‌گوید (همان، ۶۸۶۷).

از نوشته‌های ایرانیانی که به تداول رسم تعزیه‌خوانی در دوره پیش از زندیان و دوره صفوی اشاره کرده‌اند، می‌توان به چند سند معتبر اشاره کرد. نخست مطلبی که حاج نوروزعلی، مشهور به فاضل بسطامی، در سده سیزدهم در کتاب *تحفه الحسینیه* درباره خواب آقا محمدباقر بهبهانی (۱۱۱۶-۱۲۰۵ق)، از عالمان و فقیهان بزرگ، نقل می‌کند. او می‌نویسد: آقا مردی گنه‌کار را که عمری به نواختن تنبور و زممار در مجالس لهو و لعب گذرانیده بود، در خواب با «هیئت نیکو و لباس‌های فاخر» می‌بیند. از احوال او می‌پرسد. می‌گوید: در شب عاشورا در میدانی در شهر بهبهان که مردم تعزیه‌داری می‌کردند و «تشبیهات حضرت امام حسین (ع) را مجسم و مصور می‌نمودند، من هم در آن میدان حاضر می‌شدم و زممار می‌زدم». (نک: شهیدی، ۱۳۸۰: ۸۱). اهمیت بازگویی این رویای عالم مذهبی، اشاره ضمنی او به تداول تعزیه‌خوانی به شکل ثابت در دوره زندگی او در میدان شهر بهبهان است. بنابراین، مقارن با همان زمانی که سالامون و ون گنج به شبیه در آوردن روی ارباب در حال حرکت اشاره می‌کند، نوعی تعزیه‌خوانی ثابت میدانی نیز رواج داشته است.

نمونه دیگر، واقعه‌ای است که ملاآقای دربندی از عالمان مذهبی دوره ناصرالدین شاه در کتاب *اکسیر العبادات فی اسرارالشهادات* نقل می‌کند. بنابر نوشته او، یکی از ایرانیان مقیم کربلا که در کار تعزیه و شبیه‌سازی آگاهی و مهارت داشت به هندوستان می‌رود و در یکی از روزهای ماه محرم در حضور آصف‌الدوله (درگذشت ۱۷۸۹م/۱۲۰۴ق)، فرمانروای لکهنو، مجلس شبیه‌خوانی مجللی برپا می‌کند. «هنگامی که در

ميان تشبيهات (نماياندن وقايع و صحنه‌ها)، اشباه اسيران اهل بيت همراه با تمثيل‌ها (تنديس‌ها)ى سرهاى شهيدان كربلا كه بر فراز نيزه‌هاى بلند جاى داشتند، به صحنه آمدند، حاضران با ديدن آن صحنه‌ها و اسارت و ذلت خاندان پيامبر و گريه و زارى آنان، تاب نياوردند، از شدت احساسات و غيرت و حميت خنجر و كارد از كمر بر كشيده و خود را مجروح كردند و بعضى خود را كشتند. آصف الدوله نيز از غم و اندوه بيهوش شد. چون بيهوش آمد، دستور داد ديگر در بلاد هندوستان (لكهنو) شبيه در نياورند.»

اين خبر به چند موضوع مهم اشاره دارد: نخست، رواج شبيه‌سازى و شبيه‌خوانى يا تعزیه‌خوانى در دوره‌اى است كه آصف الدوله مى‌زيسته؛ دوم، رفتن يك تعزیه‌خوان ورزيده و ماهر و ظاهراً با گروهى تعزیه‌خوان در ماه محرم از ايران به شهر شيعه‌نشين لكهنوى هندوستان و ترتيب دادن مجلس تعزیه‌خوانى؛ سوم، استادى يك ايرانى در كار و فن شبيه‌سازى كه به دست آوردن اين فن و مهارت به زمان نياز دارد. بنابر اين، قطعاً بايد مدتى از رواج شبيه‌سازى و تعزیه‌خوانى در ايران گذشته باشد كه تعزیه‌گردانى ماهر پرورده شود و اين سنت نمايشى را به سرزمين ديگر ببرد. اين زمان به احتمال فراوان به سالهاى اواخر دوره صفوى مى‌رسد.

سرانجام متن پرسش و استفتاى مردم از آقامحمدعلى كرمانشاهى (۱۱۱۴-۱۲۱۶ق)، عالم و فقيه بزرگ در كتاب مقام‌الفضل (تأليف در ۱۱۹۲ق)، است كه حدود ۱۰ سال پيش از آمدن فرانكلين به ايران نوشته شده. اين استفتا درباره مشروعيت شبيه‌خوانى است كه در برخى از بلاد مرسوم بوده و مجاز دانستن شبيه‌خوانى با رعايت برخى شرايط در ميان شيعيان بوده است (نقل خلاصه از: شهيدى، ۱۳۸۰: ۸۲-۸۴).

اطلاعاتى كه از اين گزارش‌ها و نوشته‌ها به دست مى‌آيد، نشان مى‌دهد كه تعزیه‌خوانى ظاهراً بايد راهى نسبتاً دراز پيموده باشد تا به

شکل یک نمایش تقریباً کامل در دوره زندیان درآید. پذیرفتن ظهور شکل کمال یافته ناگهانی تعزیه خوانی به دستور و اشاره شخصیتی یا بزرگی و یا به تقلید از نمایش های غربی و همزمان پراکندگی آن در بیشتر نقاط ایران، از شمال گرفته تا مرکز و جنوب، باورکردنی نمی تواند باشد، از این رو باید بپذیریم که زمینه چنین پدیده نمایشی باید از دهه ها پیش از دوره زند فراهم شده باشد (برای بحث و استدلال وافق درباره این موضوع، نک: شهیدی، ۶۳-۷۰).

مردم و تعزیه

تعزیه خوانی در آغاز دوره سلطنت قاجار به صورت یک نمایش آئینی - مذهبی جلوه ای برجسته داشته و روند تحول و تکامل خود را می پیموده است. فتحعلی شاه (۱۲۱۲-۱۲۵۰ق) که مردی مذهبی بود، یا به ظاهر مذهبی می نمود! به تعزیه و تعزیه خوانی علاقه نشان می داد و در رواج این سنت مذهبی در میان مردم و همگانی کردن آن در جامعه، کمابیش نقش مهم و مؤثری داشت. او سرپرستی و نظارت بر امور مربوط به مراسم عزاداری و تعزیه خوانی دربار و دولت را در ماه محرم به بزرگان و رجال دربار خود سپرده بود و در بعضی از مجالس تعزیه، به خصوص مجالس تعزیه روز تاسوعا و عاشورا، که کارگزاران دربار برپا می کردند، حاضر می شده است. رجال دربار و اعیان و اشراف مملکت هم که تعصبات مذهبی داشتند و به سنت های آبا و اجدادی خود پایبند بودند، هر یک به نوبه خود در دهه محرم در تکیه ها یا حیاط های بزرگ خانه هایشان، که معمولاً آنها را به صورت تکیه می بستند، مجالس سوگ و تعزیه خوانی برپا می کردند. انگیزه های این جماعت در تعزیه داری های محرم با هم یکسان نبود. بعضی شان به نیت ادای دین مذهبی یا به جا آوردن نذر و نیاز

و سبک کردن بار معصیت و تلطیف روح، و بعضی دیگر برای حفظ ظاهر و به دست آوردن اعتبار اجتماعی و تحکیم و تقویت نفوذ مذهبی خود در میان عامه مردم، گروهی به قصد رقابت، هم چشمی با همپالگی ها و رقیبان و به نمایش گذاشتن مکنّت و ثروت خود، و بالاخره دسته ای هم برای سرگرمی و تلهذّذ به این کار دست می زدند.

حاج محمدحسین خان امین الدوله، معروف به صدر اصفهانی، که از ۱۲۲۱ تا ۱۲۳۴ قمری با عنوان مستوفی الممالک، خزانه دار و وزیر امور مالیه میرزا محمد شفیع، صدراعظم فتحعلی شاه بود، ظاهراً در دهه های محرم هر سال حیاط خانه اش را می بسته و در آن تعزیه خوانی می کرده است. جیمز موریه در سفرنامه اش به یکی از تعزیه خوانی های محرم در خانه امین الدوله اشاره کرده، می نویسد: در فوریه سال ۱۸۰۹ میلادی (برابر با محرم سال ۱۲۲۴ قمری)، شبها در خانه اش مجلس تعزیه خوانی بر پا کرده بود. در بیست و چهارم فوریه، برابر با جمعه روز تاسوعا، از فرستاده سیاسی بریتانیا و منشی اش برای دیدن تعزیه به خانه اش، که جمعی از رجال و بزرگان مملکت نیز در آنجا گرد آمده بودند، دعوت کرد (موریه، ۱۸۱۲: ۱۹۵).

میرزا ابوالحسن خان شیرازی معروف به ایلچی، نخستین وزیر امور خارجه فتحعلی شاه از ۱۲۳۹ تا ۱۲۵۰ ق / ۱۸۲۳-۱۸۳۴ م، که نذر کرده بود برای شفای پسرش تعزیه خوانی بکند، در محرم ۱۲۴۹ ق، نذرش را با برپایی مجلس تعزیه خوانی باشکوهی ادا می کند. الکساندر خودزکو که در آن زمان در تهران بوده و در مجالس تعزیه خوانی او حضور داشته است، در بیان انگیزه او در برپایی تعزیه خوانی و توصیف مجلس تعزیه، چنین می نویسد: «در مجلس تعزیه مشهوری که میرزا ابوالحسن خان وزیر امور خارجه وقت در ۱۸۳۳ در تهران برای شفای پسرش برپا کرد و پانزده روز

به درازا کشید، دیدم که این لوکولوس [فرمانده سپاه روم] ایرانی هشتاد شال کشمیر (رضایی) و جواهرات (از جمله جواهراتی که از حرم شاه به عاریت گرفته بود) که قیمتشان نیم کرو، یعنی در حدود سه میلیون فرانک تخمین زده می‌شد، در برابر چشمان مردم به نمایش گذاشت. جلال و شکوه اپرای بزرگ پاریس که مایه تحسین فرانسوی‌هاست به نظر تهرانیان اهل تفنن حقیر خواهد نمود! اما به علت فقدان کامل آرایه صحنه، این تجمل به چشم نمی‌آید» (خوتسکو، ۱۳۶۹: ۱۱۳).

بر اساس دو وقف‌نامه‌ای که در مقدمه مؤلف این کتاب آمده است ظاهراً اوج رواج تعزیه‌خوانی در رابر و نیز در همین دوران قاجار بوده است.

درباره این مجموعه

آقای مرید قنبری ننیزی گردآورنده، این مجموعه از مجالس تعزیه‌خوانی، یکی از ارکان حفظ و تداوم این هنر نمایش مذهبی در رابر و نیز بوده و آن‌چنان‌که در مقدمه مجموعه بیان داشته است سالها در نقش شمرخوان که از نقش‌های مهم و برجسته مجالس اصلی تعزیه است ایفای نقش می‌کرده و منصب گرداندگی و معین‌البکایی مجالس شبیه‌خوانی را داشته است.

این مجموعه از میراث ارزشمند نمایشهای مذهبی مردم این ناحیه و پاره و بخشی از ادبیات شفاهی فرهنگ مردم رابر و نیز است. جمع‌آوری و تنظیم و تدوین و چاپ و نشر این گونه متون از ادبیات شفاهی محلی حرکتی است در بهتر شناساندن روند تحول تاریخی - فرهنگی ادبیات عامه، و در آن میان ادبیات تعزیه و نحوه زبان و بیان و چگونگی اجرای تعزیه در بستر اجتماعی - فرهنگی جماعات ایرانی پراکنده در سرزمین ایران.

پس از خواندن مقدمه مجموعه و ملاحظه متن مجالس تعزیه نکات و مواردی به نظر رسید که در حاشیه کتاب برای اعمال در آن و تکمیل و اصلاح یادداشت شد که بنابر نامه‌ای همه آنها را ظاهراً اعمال کرده‌اند.

با آرزوی توفیق

علی بلوکباشی

۱۳۹۰/۵/۱۱

منابع مورد استفاده در مقدمه

امین، احمد (۱۳۵۳)، «ایران در سال ۱۳۱۱ هجری قمری»، ترجمه محمود غروی، بررسیهای تاریخی، س ۹، ش ۴، ص ۷۷-۱۰۰.

بکتاش، مایل (۱۳۸۰)، «پدیدارشناسی تعزیه: موقع نمایشی شبیه مضحک»، تئاتر ایرانی، ص ۱۲۵، تهران: سازمان جشن هنر.

بلوکباشی، علی (۱۳۸۳)، تعزیه خوانی: حدیث قدسی مصایب در نمایش آیینی، تهران: امیرکبیر.

بنجامین، س. ج. و (۱۳۶۳)، سفرنامه: ایران و ایرانیان، ترجمه محمدحسین کردبچه، تهران: انتشارات جاویدان.

چلکوسکی، پتر جی (گردآورنده) (۱۳۶۷)، تعزیه: هنر بومی پیشرو ایران، ترجمه داوود حاتمی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

خوتسکو، الکساندر (۱۳۶۹)، تئاتر ایرانی، ترجمه جلال ستاری، فصلنامه تئاتر، ش ۹ و ۱۰، ص ۱۰۳-۱۳۰.

شهیدی، عنایت الله (۱۳۸۰)، پژوهشی در تعزیه و تعزیه خوانی: از آغاز تا پایان دوره قاجار در تهران، با همکاری، ویرایش و نظارت علمی علی بلوکباشی، تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی.

فرانکلین، ویلیام (۱۳۵۸)، مشاهدات سفر از بنگال به ایران، ترجمه محسن جاویدان، تهران: مرکز ایرانی تحقیقات تاریخی.

فلسفی، نصرالله (۱۳۶۹)، زندگانی شاه‌عباس اول، تهران: انتشارات محمدعلی علمی.

محبوب، محمد (۱۳۸۲)، ادبیات عامیانه ایران، به کوشش حسن ذوالفقاری، تهران: نشر چشمه.

ممنون، پرویز (۱۳۸۰)، «پیدایش و تکامل تعزیه» (گفتگو)، همشهری، س ۹، ش ۲۴۲۷.

موریه، جیمز (۱۳۳۰)، سرگذشت حاجی‌بابا اصفهانی، ترجمه میرزا حبیب اصفهانی، تهران: مرکز نشر.

نیبور، کارستن (۱۳۵۴)، سفرنامه، ترجمه پرویز رجبی، تهران: توکا.